

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر محمد کریم فارغی- استراليا
۲۹ اپریل ۲۰۲۱



داکتر محمد کریم فارغی

سطح تحصیلات افراد مطلقاً هیچ ارتباطی با میزان شعورشان ندارد!

در دوران نه ماهه حکومت "بچه سقاء" (امیر حبیب الله خادم دین رسول الله) زمستان سختی در کشور زندگی را دشوار ساخته بود، ریزش برف راه های ولایات به کابل را بکلی مسدود نموده بود. به روایت بزرگان کابل، مواد غذایی به خصوص گوشت خیلی گران و حتی نایاب گردیده بود. امیر از وضعیت خراب شهریان اطلاع یافته بود و برای اطمینان از وضعیت ناگواری که در آن گویا مبادا دسیسه ای به ضد او و حکومتش نباشد، از شهر و بازار ها دیدن به عمل آورد، به دکان قصابی سر زد و قیمت گوشت را پرسید، قیمت ها سه چند و حتی چهار چند بلند رفته بود، امر کرد گوش قصاب را در دروازه دکان میخ کنند، به چند قصابی دیگر سر زد، دیگران از ترس نرخ پائین تر گفتند، در بین هم رکابان امیر کسی به امیر یاد آور شد که صاحب، گناه از این دکانداران به خصوص قصابان نیست، راه بندان است، گوسفند از قطع و هزار جات به کابل نمی آید، کسانی که می آورند قیمت تر می فروشند چون با سختی این کار را ممکن می سازند، امیر با لهجه منحصر به خودش رو به همراهانش کرده و گفت، "وا این آدم راست می گوید؟" دیگران تأیید کردند که بلی این واقعیت دارد که گوسفند از قطع و هزار جات به کابل نمی آید، راه های هزار جات هم مسدود اند. امیر به عسکر معیتی اش امر کرد، "وا برو گوش آن مردک را خلاص کن"، بعد به همراهانش گفت، "وا به من معلوم است که مردم کوه دامن زمین پیش از شروع زمستان چند تا گوسفند لاندی می کنند، وا بروید هر قدر می توانید از خانه ها لاند جمع کرده بیاورید درین دکانها تا مشکل مردم کابل رفع گردد."

قرار گفته بزرگان فامیل که خداوند جنت نصیب شان کند، در ظرف یک هفته تمام دکانها از گوشت لاندی پر شدند و به قیمت نهایت نازل مردم کابل گوشت لاندی به دست می آوردند ..

اداره و حکومت داری همیشه با فورمول های پیچیده نباید سنجیده شود، گاهی یک حرکت ساده ولی معیاری گره های زیادی را باز می کند....